

بسم الّذی هو منفخ الرّوح فی اجساد الکلمات بروح قدس منیر

حمد خدا را که عیون حیوان غیبی که در حجابات ستر الهی مستور بود بتأییدات روح القدس علوی از حقایق کلمات جاری و ساری گشت بلی چشمه حیوة مشهور که بعضی از عباد در طلب او شتافتند حیوة ظاهری عنصری بخشد و این چشمه حیوة که در کلمات سبحانی جاری و مستور است حیوة باقی و روح قدسی بخشد مبدء و محلّ آن چشمه ظلمات ارض است و مبدء و سبب این چشمه جعد محبوب چون حور معانی که ازل الازال خلف سرادق عصمت صمدانی مستور بود وقتی از ساحت قدس سلطان لا یزالی اذن خواست که از غرفات خلوت روحانی بانجمن رحمت ربّانی درآید و یک تجلّی از تجلّیات مکنونه بر عوالم قدس احدیه اشراق فرماید در این حین منادی از مصدر الوهیت کبری و مخزن ربوبیت عظمی ندا نمود که خلقی که قابل این تجلّی و اشراق شوند مشهود نه امر بخلق جدید و صنع بدیع گشت جمیع اهل ملاً اعلی و سگان رفارف بقا متحیر گشتند که این خلق بدیع از چه عنصری مخلوق شوند و از چه حقیقتی موجود آیند در این حین نسیم صبا قدسی از سبای فردوس معنوی بوزید و غبار لطیف معطری از گیسوی آن حوری روحانی آورد و در آن ساعت چند قطره شراب نورانی از کوثر جمال حضرت رحمانی در آن غبار چکید و دست قدرت صمدانی از کنز غیب رحمت سلطانی ظاهر شد و آن غبار روحانی را بماء عذب نورانی عجین فرمود و بعد نفّسی از نفس قدمانی در او دمید اذاً قاموا خلق لو ینظر احد منهم بطرف طرفه علی اهل السّموات و الارض لینعدمن کلّهنّ و ینقلبن و یرجعن الی عدم قدیم و بعد امر مبرم از سماء امر الهی شد که اهل سرادق عظمت و اهل حجابات قدرت و ملاً کرویین و حقایق صافین جنت خلد را بانوار جمال ترین نمایند و بفرش سندس و استبرق قدسی فرش نمایند و بعد اذن خروج از سماء ظهور رسید و آن حوریّه روح از خلف سرادق کبری بیرون آمد و بر سگان اهل سموات و ارض بذل روح حقیقی فرمود و بعد از قیام بر فراش سندسی حرکتی فرمود و از آن حرکت از شعرات او چند نقطه سودا که حاکی از آن ظلمت نورا بود بر ارض استبرقی چکید و از آن نقطه‌های معدوده این کلمات بدیعه ترین یافت و کوثر حییه در ظلمات عیون این کلمات مستور گشت پس ای همپران هوای قدسی از توجه بدنیای فانی خود را از این سلسبیل باقی ممنوع ننمائید که شاید برفارف بقای لقای جمال ذو الجلال اذن دخول یابید و کذلک نذکر لکم الاسرار فیما ستر علی عقولکم و قلوبکم فی ماء الّذی ذکر فی کلّ الالواح بالحووان لعلّ انتم الی هذا الماء فی هذا المعین بعد انقطاعکم عن کلّ من فی السّموات و الارض تصلون و الی بدایع فیض فضله ترجعون